رویش روان شناسی، سال12، شماره7، شماره پیاپی 88، مهر 1402
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(7), 2023

اعتماد در زوجین آسیب‌دیده از خیانت بر اساس طرحواره‌های هیجانی با میانجیگری ابرازگری هیجانی

Presenting a Model of Trust in Couples Affected by Marital Infidelity based on Emotional Schemas with the Mediator role of Emotional Expression

ندا میری
دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.
دکتر محمدرضا زربخش بحری (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.
دکتر شهره قربان شیرودی
دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

Neda Miri
PhD Student, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran
Dr. Mohammadreza Zarbakhash Bahri*
Associate Professor, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran *(Athure Correspondence).*
rzarbakhsh@yahoo.com
Dr. Shohreh Ghorban Shiroudi
Associate Professor, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه الگوی اعتماد در زوجین آسیب‌دیده از خیانت بر اساس طرحواره‌های هیجانی با میانجیگری ابرازگری هیجانی بود. پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین آسیب‌دیده از خیانت تشکیل داده که به مراکز مشاوره شهرستان‌های نوشهر، چالوس و تنکابن در فاصله زمانی اردیبهشت تا مرداد 1400 مراجعه کردند. از بین افراد مراجعه‌کننده تعداد 150 زوج (300 نفر) به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های اعتماد زوجین (IRS) رمپل و همکاران (1985)، طرحواره هیجانی (LESS) لیهی (2002) و ابرازگری هیجانی (EEQ) کینگ و امونز (1990) را تکمیل کردند. نتایج نشان داد طرحواره‌های سازگارانه و ناسازگارانه به صورت مستقیم بر اعتماد زوجین اثر معنی‌داری دارند (P<0/05)؛ همچنین طرحواره‌های سازگارانه با میانجی‌گری ابراز هیجان مثبت و طرحواره‌های ناسازگارانه از طریق ابراز هیجان مثبت و ابراز صمیمیت بر اعتماد زوجین اثر غیرمستقیم و معنی‌داری داشتند (P<0/01). بنابراین می‌توان گفت مدل اعتماد در زوجین آسیب‌دیده از خیانت بر اساس طرحواره‌های هیجانی با نقش میانجیگری ابرازگری هیجانی از برازش مطلوبی برخوردار است و استفاده از این مدل می‌تواند در جهت آگاهی از روابط فرازناشویی به متخصصان کمک‌کننده باشد.

واژه‌های کلیدی: *ابرازگری هیجانی، اعتماد زوجین، خیانت زناشویی، طرحواره‌های هیجانی.*

Abstract

The present study aimed to present a model of trust in couples affected by marital infidelity based on emotional schemas with the mediating role of emotional expression. The current research was descriptive-correlational based on structural equation modeling (SEM). In light of these considerations, the statistical population of this study comprised all couples affected by marital infidelity who were referred to the counseling centers of Nowshahr, Chalus, and Tonekabon between May and August 2021. , 150 couples (300 people) were selected using the available sampling method, and Rempel et al. (1985) Interpersonal Relationship Scale (IRS), Leahy's (2002) emotional Schema Scale (LESS), and King and Emmons' (1990) emotional expressiveness Questionnaire (EEQ) were completed. At the conclusion of the study, adaptive and nonadaptive schemas directly have a significant effect on couples' trust (P<0.05). Also, adaptive schemas through the mediation of positive emotion expression and nonadaptive schemas through the expression of positive emotion and expressing intimacy had an indirect and significant effect on couples' trust (P<0.01). The findings of this study suggest that the model of trust in couples affected by infidelity based on emotional schemas with the mediation role of emotional expression has a good fit, and the use of this model could be effective for experts in the determination of extramarital relationships.

Keywords: *Emotional Expression, Couple's Trust, Marital Infidelity, Emotional Schemas.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** تیر 1402 | **پذیرش:** مرداد 1402 | **ویرایش نهایی:** مهر 1402

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

مقدمه

خانواده نه تنها یک واحد اساسی جامعه است، بلکه نهاد مهمی جهت رشد جسمی و ذهنی افراد به حساب می‌آید و نقش مهمی در عملکرد طبیعی سیستم اجتماعی بازی می‌کند. بنابراین آسیب به ساختار خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه و مکانی که پرورش‌دهنده رشد جسمی و روانی اعضای جامعه است، می‌تواند سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه را مورد تهدید قرار دهد (آمبرسون و تومر[1]، 2020). خیانت زناشویی[2] یکی از مواردی است که می‌تواند ساختار و بنیان خانواده را به خطر بیاندازد. خیانت زناشویی به معنی نقض پیمان اظهارشده یا فرض شده معطوف به انحصاریت رابطه جنسی و عاطفی یکی از طرفین رابطه به منظور به دست آوردن منافع بیشتر است (واراخ و جوزف[3]، **2021**). روابط فرازناشویی از جمله عواملی است که سلامت خانواده را با چالش مواجه کرده و مهمترین عامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و تداوم و روابط زناشویی است. در چنین رابطه‌ای خود افشایی، درک، اعتماد و نزدیکی عمیق تجربه می‌شود و دو فرد با بعد بالغ وجودشان آگاهانه به برآوردن نیازهای یکدیگر می‌پردازند (روزالین و کاسارانی[4]، 2022). ابعاد مختلف شناختی و علّی شکست رابطه در طول چند دهه گذشته توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است؛ اما علیرغم تحقیقات گسترده در مورد شکست‌ها و پیامدهای منفی آن‌ها، هنوز حوزه‌هایی در مورد شکست رابطه وجود دارد که به خوبی بررسی نشده است. به عنوان مثال، اطلاعات کمی در مورد سندهایی که مردم راجع به شکست می‌دهند یا منابع بالقوه‌ای که در پس شکست رابطه ممکن است شکل گیرد، موجود است (ایسما و ترنیپ[5]، 2019). نتایج مطالعه‌ای که در خصوص پدیده همسرکشی در **15** استان کشور انجام شد نشان داد **67** درصد قتل‌ها مربوط به زنانی است که به دلیل خیانت و سوءظن توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. علاوه بر این، خیانت زناشویی یکی از مهمترین دلایل طلاق در میان زوجین است (اسفندیاری‌بیات و همکاران، **1400**). بر اساس شواهد پژوهشی **90** درصد از طلاق‌ها به دلیل خیانت اتفاق می‌افتد. برخی از پژوهشگران قویاً بر این مسئله تأکید دارند که مردان بیش از زنان مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند. بنابراین خیانت زناشویی به ویژه در مردان و تبعات آن برای زنان موضوع مهمی در روان‌شناسی است که توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (شیرین[6] و همکاران، 2018). افراد درگیر در خیانت زناشویی با مسائل عاطفی مانند خشم، حسادت، حقارت، ناامیدی و عدم اعتمادبه نفس، افسردگی، شیوع بیماری ایدز، خودکشی، قتل، طلاق مواجه هستند (واراخ و جوزف، 2021).

از جمله عواملی که تأثیر بسزایی بر تداوم زندگی زناشویی دارد، اعتماد[7] است (کلنچ-آلت و هولت[8]، 2021). اعتماد، باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و اتکا به یک ادعا با اظهار نظر، بدون آزمون کردن آن است و نگرشی است که فرد نسبت به خود و جهان پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور و دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (ساوای و همکاران[9]، **2020**). در واقع اعتماد یکی از مطلوب‌ترین کیفیت یقین اعتمادها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی یک رابطه ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود. اعتماد، لازمهٔ استحکام تمام روابط بین‌فردی است و روابط زناشویی نیز همچون تمام روابط انسانی بدون اعتماد بین‌فردی دوام نخواهد آورد (کلنچ-آلت و هولت، 2021). اعتماد، احساس امنیت در مورد رفتارهای پیش‌بینی نشده فرد دیگری است، نبود اعتماد در روابط زناشویی تعاملات صمیمی و احساس امنیت را به تباهی می‌کشاند و سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی می‌شود. اعتماد، همچون برجی روبه رشد با ارتفاعی بی‌نهایت است که از بدو سرسپردگی به رابطه متعهدانه شکل گرفته و روز به روز به ارتفاع آن افزوده می‌شود؛ ولی با بروز پیمان‌شکنی، برج اعتماد فرو ریخته و به یک مخروبه مبدل می‌گردد (ساوای و همکاران، 2020). در واقع اعتماد حالتی روانشناختی است همراه با آسیب‌پذیری بالقوه و مبتنی بر انتظارات مثبت از اهداف یا رفتارهای دیگران است. وجوه اعتماد شامل صداقت، خیرخواهی، قابلیت اطمینان، شایستگی و گشودگی خاطرنشان می‌سازد که زندگی بدون اعتماد، با اضطراب، کشمکش و تحمل‌ناپذیری همراه است و اعتماد بین‌فردی، رابطه انسان با دیگران را خلاق و کارآمد می‌سازد (عباسی و همکاران، **1398**).

1. Umberson & Thomeer
2. Infidelity
3. Warach & Josephs
4. Rosaline & Kasaraneni
5. Harris
6. Scheeren
7. trust
8. Clench-Aas & Holte
9. Sawai

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

از سوی دیگر به نظر می‌رسد یکی از عوامل هیجانی که می‌تواند در ارتباط میان زوجین اثرگذار باشد، ابرازگری هیجانی[1] است (ناعمی و محمدی‌آریا، ۱۳۹۹). سطوحی از ابرازگری هیجانی خانواده به عنوان الگوی اصلی نمایش ابراز کلامی و غیرکلامی از احساسات درون خانواده به عنوان یک کل تعریف شده است که روابط زناشویی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به‌طور خاص کیفیت روابط زناشویی به مقدار زیادی تحت تأثیر ابرازگری هیجانی در خانواده است (بای[2] و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهشگران ابرازگری هیجانی را به عنوان نمایش بیرونی هیجان بدون توجه به ارزش (مثبت یا منفی) یا روش (کلامی یا بدنی) تعریف می‌کنند و معتقدند افراد در ابراز هیجانات با یکدیگر تفاوت دارند، برخی افراد هیجان را آزادانه و بدون نگرانی از پیامدهای آن ابراز می‌کنند؛ برخی دیگر، در انتقال حالات هیجانی محافظه‌کارند (مک نیل و رپیتی[3]، ۲۰۲۱). عده‌ای هیجان را ابراز نمی‌کنند ولی راحت‌اند؛ اما افراد دیگری هستند که وقتی هیجانِشان را بازداری می‌کنند، تنیده هستند و با خطر آشفتگی روانشناختی و مشکلات بالقوه جسمانی روبرو هستند و برخی هیجان‌های ناراحت‌کننده را در ذهن خود مرور می‌کنند. همچنین افرادی نیز ممکن است ابرازگر یا ناابرازگر باشند، ولی درعین حال در مورد سبک ابرازگری خود متعارض باشند (ریگیو[4]، ۲۰۲۰).

از سویی هیجان‌ها[5] تحت تاثیر روابط بین‌فردی و تعامل‌های اجتماعی در رفتار نمود پیدا می‌کنند و اگر به شیوه نامناسبی ابراز شوند باعث ایجاد مشکل می‌شوند (سلیمانی و همکاران، **1399**). بنابراین طرحواره‌های هیجانی[6] عبارت است از تفسیر هیجان و به کارگیری راهبردهای مقابله با آن که از جمله مداخله‌های درمانی جهت حل و فصل و بررسی مشکلات زناشویی و روابط فرازناشویی و اثرات آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (لیهی[7]، **2022**). در واقع طرحواره‌های هیجانی بر این موارد تأکید می‌کند که افراد چگونه تجربه هیجانی خود را مفهوم‌بندی می‌کنند، چه انتظاراتی دارند، چگونه درباره هیجان‌های خود قضاوت می‌کند و چه راهبردهای رفتاری و بین‌فردی را در پاسخ به تجربه هیجانی به کار می‌گیرند (ادواردز و ووپرمن[8]، 2019). بر اساس مدل طرحواره‌های هیجانی ممکن است افراد در چگونگی مفهوم‌پردازی هیجاناتشان با یکدیگر متفاوت باشند و یا به عبارتی بهتر، افراد طرحواره‌های متفاوتی در مورد هیجاناتشان دارند. این طرحواره‌ها منعکس‌کننده شیوه‌هایی هستند که افراد هیجانات خود را تجربه می‌کنند و باوری است که آن‌ها به مجرد برانگیخته شدن هیجانات ناخوشایند در ذهن دارند (لیهی، **2019**). در این مدل فرض می‌شود که اشخاص بر پایه باورهای بین‌فردی در مورد هیجان‌ها، به یک هیجان خاص پاسخ می‌دهند. بر این اساس، تحقیقات بیشتر در مورد طرحواره‌های هیجانی نشان داد که هیجان‌های منفی مشکل‌زا نیستند بلکه واکنش به آن هیجانات است که می‌تواند مشکل‌زا باشد (لیهی، 2022). طرحواره‌های هیجانی ساختارهایی را شکل می‌دهند که در آن‌ها یک هیجان می‌تواند مفاهیم و شناخت‌ها را در برگیرد. این دیدگاه مطرح می‌کند که هیجان‌ها حقایق خودشان را دربردارند و به جای اینکه تابع شناخت‌های منطقی در نظر گرفته شوند، تسهیل‌کننده افکار به روش خودشان هستند. به عبارت دیگر هیجان‌ها، شناخت‌ها را متأثر می‌کنند (لیهی، 2019).

پژوهش‌هایی چند به بررسی متغیرهای پژوهش پرداختند. امیری‌نژاد و همکاران (1400) در پژوهش نشان دادند که تعدادی از طرحواره‌های هیجانی در رابطه بین پیوند والدینی و صمیمیت زناشویی نقش میانجی داشتند. بنابراین با توجه به نقش طرحواره‌های هیجانی در تجربه هیجانی و استفاده از راهبردهای کنترل هیجان، می‌توان گفت که این طرحواره‌ها از طریق تأثیر بر ادراک افراد از هیجان و نیز استفاده از راهبردهای مختلف جهت مقابله با هیجان، در رابطه بین پیوند والدینی و صمیمیت زناشویی نقش میانجی را ایفا می‌کنند. سلطانی و همکاران (1400) نشان دادند که طرحواره‌های هیجانی بر آسیب‌پذیری روابط فرازناشویی اثر مستقیم دارد. فتاحی و همکاران (**1400**) در پژوهش خود نشان داد طرحواره‌های هیجانی و ذهن‌آگاهی بر رضایت زناشویی تاثیر مستقیم معنادار دارند. نتایج اثر واسطه‌ای نشان داد، طرحواره‌های هیجانی از طریق ذهن‌آگاهی به‌طور غیرمستقیم بر رضایت زناشویی اثر دارند و ذهن‌آگاهی می‌تواند نقش واسطه‌ای اندکی را در این بین ایفا کند. اثر مستقیم و غیرمستقیم طرحواره‌های هیجانی بر رضایت زناشویی به‌ترتیب منفی بود. همچنین برومندراد (1399) در پژوهشی نشان داد درمان هیجان‌مدار بر تاب‌آوری زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر موثر است. بر اساس نتایج این پژوهش،

1. Emotional Expressiveness
2. Bi
3. McNeil & Repetti
4. Bruno, Lutwak & Agin
5. Excitement
6. Emotional schemas
7. Leahy
8. Edwards & Wupperman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

درمان هیجان‌مدار، مداخله مؤثری در افزایش سلامت روان و تاب‌آوری زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر می‌باشد. همچنین این پژوهش نشان داد که درمان هیجان‌مدار باعث کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود سلامت روان در افراد آسیب‌دیده از خیانت همسر می‌شود. عرب و همکاران (1396) در پژوهش خود نشان دادند که طرحواره‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی، استحقاق/بزرگ‌منشی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی و شکست با خیانت رابطه مثبت و معناداری دارند و از طرفی بین آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، خویشتن-داری/خودانضباطی ناکافی، اطاعت، انزوای اجتماعی/بیگانگی، گرفتار/خود تحول‌نیافته، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، نقص/شرم و وابستگی/بی‌کفایتی با خیانت رابطه معکوس و معناداری دارد. از طرفی در یک مطالعه پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که طرحواره‌های هیجانی با اعتماد در زوجین رابطه معناداری داشته و باعث ارتقای صمیمت و رضایت زناشویی در زوجین می‌شود (فاستینو و واسکو[1]، 2021). همچنین باگ و همکاران[2] (2019) در پژوهش خود نشان دادند که طرحواره‌های ناسازگار با اعتماد زوجین و انعطاف‌پذیری همبستگی منفی و معناداری داشت. بعلاوه نتایج نشان داد طرحواره‌های ناسازگار به واسطه انعطاف‌پذیری اثر غیرمستقیم و معناداری بر اعتماد زوجین داشتند. در مطالعه دیگری عرفان و همکاران (2018) نشان دادند که آموزش طرحواره درمانی هیجانی موجب ارتقای طرحواره هیجان، تنظیم هیجان و ابرازگری هیجانی در افراد شد.

بر اساس آنچه در فوق مطرح شد اعتماد زوجین به عنوان اولین پایه ارتباط زناشویی امری بسیار مهم است و شناسایی و بررسی همبسته‌های آن می‌تواند در جهت ارتقای آن در زوجین کمک‌کننده باشد. از سویی به نظر می‌رسد طرحواره‌های هیجانی و ابرازگری هیجان و به نوعی هیجانات امری بسیار مهم در زندگی زناشویی هستند که بررسی آن‌ها در قالب یک مدل ساختاری جهت تبیین اعتماد زوجین مغفول مانده است. لذا با توجه به آسیب‌دیدگی بر اثر خیانت زناشویی و با پرداختن به یک آسیب جدی با شیوع بالا (خیانت به زوج) در جامعه که بقا و سلامت خانواده‌ها را نشانه گرفته است، مطالعه نقش طرحواره‌های هیجانی به‌عنوان ساختارهای اولیه هیجان‌ها در اعتماد زوج پس از فهم خیانت همسر و ابرازگری هیجانات حائز اهمیت است، از این رو هدف از انجام پژوهش حاضر ارائه الگوی اعتماد در زوجین آسیب‌دیده از خیانت بر اساس طرحواره‌های هیجانی با میانجیگری ابرازگری هیجان می‌باشد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی ـ همبستگی و به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین آسیب‌دیده از خیانت تشکیل داده که به مراکز مشاوره شهرستان‌های نوشهر، چالوس و تنکابن در فاصله زمانی اردیبهشت تا مرداد 1400 مراجعه کردند. از بین افراد مراجعه‌کننده تعداد 150 زوج (300 نفر) به شیوه در دسترس انتخاب شدند. به اعتقاد پژوهشگران حداقل حجم نمونه برای مدل‌یابی معادلات ساختاری 100 تا 150 نفر است. برخی پژوهش‌ها تعداد بیشتری در حد 200 نفر را پیشنهاد می‌کنند (کلاین[3]، 2023). همچنین پیشنهاد شده است که به ازای هر متغیر آشکار حدود 15 نفر برای حجم نمونه در نظر گرفته شود (بیرن[4]، 2013). در این پژوهش تعداد 150 زوج که ملاک‌های ورود آسیب دیدن از خیانت یکی از زوجین، نداشتن بیماری جسمی مانند بیماری قلبی و ... ، نداشتن بیماری روانی مانند افسردگی و ... به تشخیص روان‌شناس، عدم استفاده از دارو، رضایت آگاهانه و توانایی پاسخگویی به پرسشنامه‌ها و خروج عدم پاسخگویی به سؤالات و تکمیل نکردن پرسشنامه‌ها و نداشتن ملاک‌های ورود از پژوهش را داشتند، شرکت داشتند. شیوه اجرا به این صورت بود که پس از مشخص شدن نمونه پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از آن‌ها، به مراکز مشاوره مربوطه مراجعه شد و از هر شهر 2 مرکز مشاوره انتخاب که از هر مرکز مشاوره 25 زوجی که در ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. در نهایت نمرات زوجین با هم جمع زده شد و میانگین نمرات به عنوان نمره هر زوج محاسبه شد. به منظور رعایت نکات اخلاقی، شرکت‌کنندگان مجاز بوده‌اند از نوشتن آدرس خود، خودداری نمایند و در صورت تمایل به داشتن نتایج، خواسته خود را اعلام نمایند. همچنین محرمانه بودن اطلاعات کسب‌شده، جلب رضایت آگاهانه آزمودنی‌های پژوهش، عدم انتشار اطلاعات آزمودنی‌ها به دیگران و ایجاد یک جو اطمینان‌بخش از جمله ملاحظاتی بود که پژوهشگران مد نظر قرار داد. برای تحلیل اطلاعات از همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزارهای $SPSS_{V19}$ و $AMOS_{V20}$ استفاده شد.

1. Faustino & Vasco
2. Baugh
3. Kline
4. Byrne

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

ابزار سنجش

مقیاس اعتماد[1] (IRS): این مقیاس در سال 1985 توسط رمپل[2] و همکاران تهیه و طراحی شده است و دارای 18 سؤال بوده که اعتماد زوجین در روابط بین‌فردی را به صورت یک سازه 3 مؤلفه‌ای شامل پیش‌بینی‌پذیری، قابلیت اعتماد و وفاداری مورد سنجش قرار می‌دهد. مقیاس بر روی یک طیف لیکرت 7 درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) قرار دارد. نمرات هر خرده‌مقیاس از حاصل جمع سؤالات مربوطه بدست می‌آیند و نمره کل مقیاس از حاصل خرده‌مقیاس‌ها بدست می‌آید. نمره بالاتر نشان از اعتماد بیشتر زوجین و نمره پایین‌تر نشان از اعتماد کمتر در زوجین است. رمپل و همکاران (1985) میزان روایی محتوایی پرسشنامه را 0/86 گزارش کردند. همچنین آها میزان پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون برابر با 0/81 و زیر مقیاس‌ها شامل پیش‌بینی‌پذیری 0/70، قابلیت اعتماد 0/72 و وفاداری 0/80 گزارش کردند. جاویدمهر و همکاران (1394) این پرسشنامه را در نمونه ایرانی مورد رواسازی قرار دادند. آن‌ها ساختار 3 عاملی مقیاس را در نمونه ایرانی تأیید کردند و روایی سازه میان سؤالات و مؤلفه‌ها را بالاتر از 0/70 گزارش کردند. همچنین این پژوهشگران پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس 0/82، پیش‌بینی‌پذیری 0/62، قابلیت اعتماد 0/77 و وفاداری 0/81 گزارش کردند. در پژوهش حاضر میزان پایایی مقیاس به روش الفای کرونباخ محاسبه و برای کل مقیاس و مؤلفه‌ها در دامنه 0/65 تا 0/72 بدست آمد.

مقیاس طرحواره هیجانی[3] (LESS): این پرسشنامه توسط لیهی (2002) طراحی شده است. پرسشنامه دارای 28 گویه است که طرحواره هیجانی را در قالب دو نوع طرحواره سازگارانه و طراحواره ناسازگار و 14 مؤلفه مورد سنجش قرار می‌دهد. طیف نمره‌گزاری پرسشنامه از کاملاً غلط=1 تا کاملاً درست=6 قرار دارد. حد پایین نمرات 28، حد متوسط 70 و حد بالای نمره در این پرسشنامه 140 می‌باشد. تدوین‌کنندگان روایی این پرسشنامه را با نظرخواهی از متخصصان 0/77 گزارش کردند. همچنین پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در نمونه خارجی 0/86 بدست آمد (لیهی، 2019). این مقیاس در ایران مورد رواسازی قرار گرفت و ساختار عاملی این پرسشنامه در نمونه ایرانی تأیید شد. همچنین میزان روایی محتوایی این ابزار در نمونه ایرانی 0/75 گزارش شد و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ 0/84 بدست آمد (شاهورانی و خرمایی، 1397). در پژوهش حاضر میزان پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ بررسی و در دامنه 0/67 تا 0/83 قرار داشت.

پرسشنامه ابرازگری هیجانی[4] (EEQ): پرسشنامه ابرازگری هیجانی توسط کینگ و امونز[5] (1990) برای بررسی ابراز هیجان طراحی شده است. پرسشنامه ابرازگری هیجانی سه زیر مقیاس و شانزده ماده دارد. مواد 7-۱ آن مربوط به زیر مقیاس بیان هیجان مثبت، مواد ۸-۱۲ آن مربوط به مقیاس صمیمیت و مواد ۱۳-16 آن مربوط به زیر مقیاس ابراز هیجان منفی است. روش نمره گذاری آن به شیوه لیکرت است که به پاسخ کاملا موافق، نمره 5 و به پاسخ کاملا مخالف، نمره ۱ تعلق می گیرد. البته در مورد پاسخ سؤالات 6، ۸، ۹ روش نمره گذاری به دلیل منفی بودن جهت مواد با ابراز هیجان، معکوس است، یعنی به پاسخ کاملا موافق نمره ۱ و به پاسخ کاملا مخالف نمره ۵ تعلق می گیرد که بر اساس این شیوه نمره گذاری، نمره کل فرد از ۱۹ تا ۸۰ متغیر خواهد بود که نمره بالاتر بیانگر ابراز گری هیجانی بالاتر است. حداقل نمره در این پرسشنامه 16، حد متوسط نمره 48 و حد بالای نمره 80 می‌باشد. کینگ و امونز (1990) ضریب روایی محتوایی پرسشنامه را 0/80 و میزان پایایی ابزار را به روش آلفای کرونباخ 0/77 گزارش کرده‌اند. روایی محتوایی این پرسشنامه 0/75 و پایایی آن از طریق روش همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسط طباطبائی و همکاران (1392) بررسی شد و مقدار آن برای کل مقیاس و زیر مقیاس‌های ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی به ترتیب 0/68، 0/65، 0/59، و 0/68 بدست آمد.

1. Interpersonal relationship scale
2. Rempel
3. Leahy emotional schema scale
4. emotional expressiveness questionnaire
5. King & Emmons

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

یافته ها

در این پژوهش تعداد 300 نفر از (150 زوج) حضور داشتند. دامنه سنی زوجین از 25 تا 50 سال بود. میانگین و انحراف معیار سن برای زنان 33/40±4/13، مردان 36/01±5/31 و کل افراد 35/02±5/06 بود. میانگین و انحراف معیار مدت زمان ازدواج 8/02±5/14 بود. 95 نفر (31/6٪) دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، 155 نفر (51/6٪) دارای تحصیلات کارشناسی، 35 نفر (11/6٪) دارای تحصیلات ارشد و 15 نفر (5/2٪) تحصیلات دکتری داشتند. تعداد 35 زوج (23/3٪) فاقد فرزند، 90 زوج (60٪) دارای 1 و 2 فرزند و 25 زوج (16/7٪) 3 فرزند و بیشتر داشتند. علاوه بر آنچه مطرح شد در جدول زیر شاخص‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول 1: شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	1	2	3	4	5	6
1. طرحواره‌های سازگارانه	-					
2. طرحواره‌های ناسازگارانه	-0/26**					
3. ابراز هیجان منفی	-0/13**	0/13**	-			
4. ابراز هیجان مثبت	0/19**	-0/16**	-0/23**	-		
5. ابراز صمیمیت	0/17**	-0/24**	-0/27**	0/74**	-	
6. اعتماد زوجین	0/26**	-0/38**	-0/16**	0/39**	0/43**	-
میانگین	43/84	28/96	17/61	28/95	12/45	82/54
انحراف معیار	9/99	15/90	1/24	5/47	2/91	9/33
کجی	-0/38	-0/31	-1/51	-1/27	0/14	0/02
کشیدگی	0/33	-1/05	1/99	0/75	-0/61	-0/54

**P<0/01

یافته‌های توصیفی جدول فوق نشان می‌دهد که همه متغیرها از یافته‌های توصیفی مناسبی برخوردار هستند. شاخص‌های کجی و کشیدگی همه متغیرهای بین 2- و 2 قرار دارد که بیانگر نرمال بودن داده‌ها است. افزون بر نتایج فوق برای بررسی یافته‌های استنباطی پژوهش حاضر از دو روش همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج همبستگی نشان داد، طرحواره‌های سازگارانه با ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمت و اعتماد زوجین همبستگی مثبت و با ابراز هیجان منفی و طرحواره‌های ناسازگارانه همبستگی منفی و معنی‌داری دارد (p<0/01). سایر نتایج همبستگی در جدول قابل مشاهده است. برای بررسی هم‌خطی چندگانه از آماره‌های تلرانس و تورم واریانس استفاده شد که نتایج نشان داد هیچکدام از مقادیر تلرانس کوچکتر از حد مجاز 0/1 و هیچکدام از مقادیر تورم واریانس بزرگتر از حد مجاز 10 نبود و این مفروضه برقرار بود. به منظور بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون استفاده شد که این میزان DW=2/23 بدست آمد و نشان از برقرار این مفروضه می‌باشد. پس از بررسی همبستگی متغیرهای پژوهش در ابتدا مدل ساختاری پژوهش به شرح ارائه شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

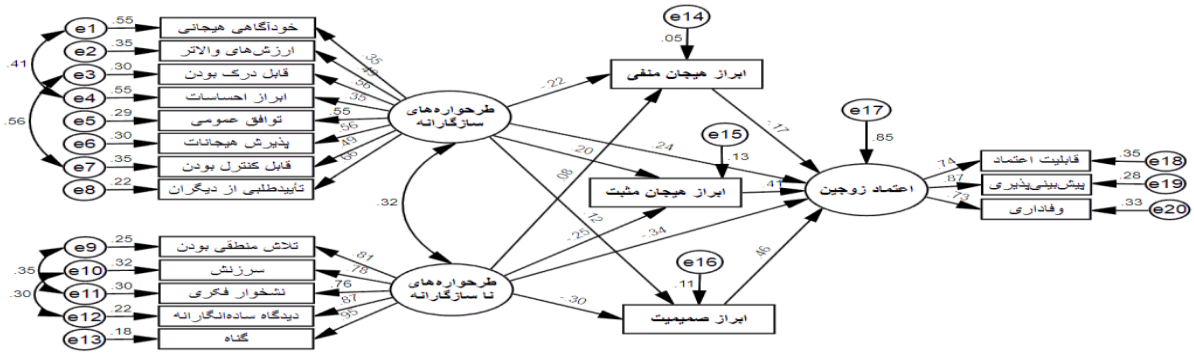

شکل 1: مدل اثر غیر مستقیم اعتماد زوجین بر اساس طرحواره هیجانی با میانجی‌گری ابرازگری هیجان

شکل 2 مدل بررسی روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای طرحواره‌های سازگارانه و ناسازگارانه متغیر برونزا بوده و نقش مستقیم آن‌ها بر ابرازگری هیجان و نقش غیر مستقیم آن‌ها بر اعتماد زوجین مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه ضرایب مستقیم و غیرمستقیم روابط بین متغیرها در جداول 2 و 3 ارائه شده است.

جدول 2: ضرایب مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر مستقیم	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	معنی‌داری
طرحواره‌های سازگارانه بر اعتماد زوجین	0/241	0/036	4/540	0/001*
طرحواره‌های سازگارانه بر ابراز هیجان مثبت	0/197	0/027	2/502	0/016*
طرحواره‌های سازگارانه بر ابراز هیجان منفی	-0/220	0/069	-2/885	0/004*
طرحواره‌های سازگارانه بر ابراز صمیمت	0/121	0/115	1/595	0/112
طرحواره‌های ناسازگارانه بر اعتماد زوجین	-0/338	0/072	-5/410	0/001*
طرحواره‌های ناسازگارانه بر ابراز هیجان مثبت	-0/247	0/034	-5/094	0/001*
طرحواره‌های ناسازگارانه بر ابراز هیجان منفی	0/083	0/111	0/676	0/499
طرحواره‌های ناسازگارانه بر ابراز صمیمت	-0/301	0/122	-4/281	0/001*
ابراز هیجان مثبت بر اعتماد زوجین	0/412	0/153	5/736	0/001*
ابراز هیجان منفی بر اعتماد زوجین	-0/171	0/073	-2/875	0/005*
ابراز صمیمت بر اعتماد زوجین	0/462	0/121	6/059	0/001*

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از روابط متغیرها از طریق ضرایب مستقیم در جدول فوق نشان می‌دهد که اثر مستقیم طرحواره‌های سازگارانه بر همه متغیرها به استثنای ابراز صمیمیت معنی‌دار بود؛ همچنین اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگارنه بر همه متغیرها به استثنای ابراز هیجان منفی معنی‌دار بود. سایر نتایج مربوط به اثرات مستقیم متغیرها در جدول فوق آمده است. در ادامه نتایج اثرات غیرمستقیم ارائه شده است.

جدول 3: ضرایب غیر مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر غیر مستقیم	ضریب استاندارد	معنی‌داری	حد پایین ضریب استاندارد	حد بالای ضریب استاندارد
طرحواره سازگارانه – ابراز هیجان مثبت - اعتماد	0/081	0/005	0/033	0/109
طرحواره سازگارانه – ابراز هیجان منفی - اعتماد	0/034	0/313	-0/035	0/097
طرحواره سازگارانه – ابراز صمیمیت - اعتماد	0/056	0/220	-0/014	0/124
طرحواره ناسازگارانه – ابراز هیجان مثبت - اعتماد	-0/102	0/001	-0/227	-0/094
طرحواره ناسازگارانه – ابراز هیجان منفی - اعتماد	-0/014	0/691	-0/046	0/023
طرحواره ناسازگارانه – ابراز صمیمت - اعتماد	-0/139	0/001	-0/227	-0/094

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

در روش بوت استرپ سطح اطمینان 95 و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ 5000 در نظر گرفته شد. اگر مقادیر حد بالا و حد پایین (فواصل اطمینان) شامل صفر نشود نقش متغیر میانجی معنادار است. بر اساس نتایج بوت استرپ مشخص شد که اثر غیر مستقیم طرحواره‌های سازگارانه تنها از طریق ابراز هیجان مثبت، معنی‌دار بود؛ در حالی که برای طرحواره‌های ناسازگارانه این میزان هم از طریق ابراز هیجان مثبت و هم از طریق ابراز صمیمیت معنی‌دار بود. در جدول 4 شاخص‌های برازش مدل ارائه شد.

جدول 4: شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین‌شده

شاخص‌های برازش	RMSEA	CFI	NFI	GFI	IFI	X^2/df	df	X^2
دامنه پذیرش	0/08<	0/9>	0/9>	0/9>	0/9>	3<		
مقادیر بدست آمده	0/073	0/93	0/93	0/91	0/93	2/563	187	479/240

برای برآورد مدل ساختاری از روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. در این مدل شاخص‌های برازندگی ریشه واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر 0/073، شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) برابر 0/93، شاخص برازش نرم شده (NFI) برابر 0/93، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر 0/91 و شاخص برازش نرم‌شده (NFI) برابر 0/93 بدست آمد. همچنین شواهد حاکی از آن است که مقدار خی‌دو در این تحلیل 479/240 بدست آمده و درجه آزادی 187 بوده که در نتیجه میزان X^2/df=2/563 بدست آمد

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر ارائه الگوی اعتماد در زوجین آسیب‌دیده از خیانت بر اساس طرحواره‌های هیجانی با میانجیگری ابرازگری هیجانی بود. نتایج نشان داد طرحواره‌های هیجانی سازگارانه بر اعتماد زوجین اثر مثبت، مستقیم و معنی‌داری داشتند. به این صورت که افراد دارای طرحواره‌های هیجانی سازگارانه از اعتماد بالاتری برخوردار بودند و طرحواره‌های هیجانی سازگارانه پیش‌بینی‌کننده مثبت اعتماد در زوجین می‌باشند. این یافته با نتایج مطالعات پیشین امیری‌نژاد و همکاران (1400) و فتاحی و همکاران (1400) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت طرحواره‌های هیجانی سازگارانه با مشخص کردن مؤلفه‌ها و فاکتورهای زیربنایی شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها که در نهایت رفتار ویژه‌ای را در آن‌ها به دنبال دارد، سبب می‌شوند افراد آگاهی بیشتری از خود داشته باشند، این امر نیز در اتخاذ تصمیم‌های مناسب آنان را یاری می‌کند (امیری‌نژاد و همکاران، 1400). در این زمینه پژوهشگران معتقدند که طرحواره‌های هیجانی سازگارانه با آگاهی‌بخشی به زوجین می‌تواند آنان را از قرار گرفتن در چالشی ناخواسته بازداری کند و به همین سبب استفاده از طرحواره‌های هیجانی سازگارانه در زوجین می‌تواند اعتماد در آن‌ها را تقویت کند (فتاحی و همکاران، 1400). بنابراین زمانی که افراد از طرحواره‌های هیجانی سازگارانه مانند خودآگاهی هیجانی، قابل درک بودن، توافق عمومی، پذیرش هیجانات، ابراز احساسات و ... استفاده می‌کنند و شناخت کافی از این طرحواره‌ها دارند می‌توانند اعتماد را در روابط زناشویی خود تقویت کنند و به نوعی وجود طرحواره‌های هیجانی سازگارانه پیش‌بینی‌کننده اعتماد در زوجین خواهد بود.

یافته دیگر این مطالعه نشان داد که طرحواره‌های هیجانی ناسازگارانه بر اعتماد زوجین اثر منفی، مستقیم و معنی‌داری داشتند. به این صورت که طرحواره‌های هیجانی ناسازگار پیش‌بینی‌کننده منفی اعتماد در زوجین بودند. این یافته با نتایج مطالعات پیشین (سلطانی و همکاران (1400) و باگ و همکاران (2019) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اساساً طرحواره‌های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوءبرداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارند و عدم اعتماد را در پی خواهند داشت، زیرا طرحواره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

(به ویژه شریک زندگی) تأثیر دارند. از آنجا که طرحواره‌های ناسازگار ناکارآمد هستند، ناخشنودی و عدم اعتماد در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند (سلطانی و همکاران، 1400). از سوی دیگر می‌توان اظهار داشت که روابط فرازناشویی مجموعه‌ای از رفتارهایی در نظر گرفته می‌شود که به وسیله آن، یک همسر از ارتباط معمول با همسر خود تخطی می‌کند و اقدام به تعامل با فرد دیگری غیر از همسر می‌کند و در حقیقت این نقض تعهد زناشویی عدم اعتماد را به وجود می‌آورد که به حسادت و رقابت منجر می‌شود. در واقع می‌توان گفت همسرانی که دارای طرحواره‌های ناسازگار و محرومیت هیجانی هستند و خودکنترلی پایینی دارند، احتمال عدم اعتماد، از هم‌پاشیدگی و نداشتن تعهد در آنها بیشتر است. ازآنجاکه، ارضای کامل و به موقع نیازهای بنیادی روانی می‌تواند در ایجاد طرحواره‌های مثبت و مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آن‌ها کمک بسیاری انجام دهد (باگ و همکاران، 2019).

همچنین یافته‌ها نشان داد طرحواره‌های هیجانی بر ابرازگری هیجانی زوجین اثر مستقیم و معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج مطالعه عرفان و همکاران (2018) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت طرحواره‌های هیجانی نقش مهمی در کاهش تجربه استرس و ابرازگری هیجان دارند. همچنین تصور می‌شود که افکار منفی یا تفسیرهای تحریف شده، از فعال شدن باورهای منفی انباشته شده در حافظه بلندمدت، نشأت می‌گیرند. در همین راستا، طرحواره‌ها را نیز می‌توان ساختارهایی برای بازیابی مفاهیم کلی ذخیره شده در حافظه یا مجموعه سازمان‌یافته‌ای از اطلاعات، باورها و فرض‌ها دانست که می‌توانند میزان نگرانی را با توجه به باورهای منفی کاهش داده و بر ابراز هیجان تأثیرگذار باشد. مدل فراشناخت، بر این اصل استوار است که اختلال‌های هیجانی ناشی از باورها، تفاسیر و راهبردهای به کار گرفته شده برای مقابله با هیجان‌ها می‌باشند. بنابراین اولین گام در این مدل، توجه به هیجان و نام‌گذاری آن است. گام بعدی، اجتناب هیجانی و شناختی از هیجان می‌باشد که هم به صورت طبیعی است مانند: پذیرش، ابراز، اعتباریابی و یادگیری از هیجان و هم به صورت دردسرساز نظیر تجزیه و تفسیرهای منفی از هیجان (عرفان و همکاران، 2018). بنابراین می‌توان گفت طرحواره‌های هیجانی عامل بسیار قدرتمند در ابرازگری هیجانی هستند، به‌طوری که نقش آن‌ها در مشکلات روانشناختی مختلف مانند روابط فرازناشویی تأیید شده است.

افزون بر آن یافته‌ها نشان داد طرحواره‌های هیجانی سازگارانه از طریق ابراز هیجان مثبت اثر غیرمستقیم و معنی‌داری بر اعتماد زوجین داشتند، این در حالی بود که دو مؤلفه ابراز هیجان منفی و ابراز صمیمیت نقش واسطه‌ای نداشتند. پژوهشی که عیناً به بررسی این یافته بپردازد یافت نشد، اما می‌توان گفت با پژوهش‌های نزدیک به این یافته مانند عرب و همکاران (1396)، برومندراد (1399) و فاستینو و واسکو (2021) همسو بود. بر اساس نتایج این مطالعات طرحواره‌های هیجانی سازگارانه موجب ارتقای صمیمیت زناشویی و کاهش دلزدگی و خیانت زناشویی می‌شود که می‌توان گفت با نتایج این مطالعه همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت طالعات لیهی (2019؛ 2022) تأیید می‌کند که طرحواره‌ها، باورهای فرد و ارائه‌کننده تفسیر، ابراز، ارزیابی و انتساب در مورد هیجان است که به دنبال آن راهبردهای تنظیم هیجان به وجود می‌آید که ممکن است کارآمد یا ناکارآمد باشد. از آنجایی که تأکید عمده طرحواره‌ها بر روی هیجانات است و استفاده از تکنیک‌های تجربی و هیجانی قسمت اعظمی از رویکرد طرحواره هیجانی را در بر می‌گیرد، لذا به نظر می‌رسد وجود طرحواره‌های هیجانی مثبت کمک می‌کنند تا فرد نسبت به هیجانات خود آگاهی یافته، آن‌ها را بپذیرد و بهتر بتواند هیجانات خود را ابراز و تنظیم کند. از این رو طرحواره‌های هیجانی سازگارانه کمک می‌کنند تا فرد با سازمان‌دهی مجدد هیجانی، یادگیری‌های جدید، تنظیم عاطفه بین‌فردی و نیز خود آرامش‌دهی، زمینه را برای استفاده صحیح از راهبردهای سازگارانه‌تر مهیا سازد که در نهایت اعتماد را در پی داشته باشد (برومندراد، 1399). همچنین کینگ و امونز (1990) معتقدند که هیجان خود متعارض ابرازگری هیجانی در ذات خود کلید سلامت نیست؛ بلکه در مورد رفتارهای ابرازی خود احساس می‌کند، به طور بالقوه ویژگی‌های زیان‌بخش فقدان ابراز را تعیین می‌کند. معمولاً ابراز کلامی تجارب‌آسیب‌زا، فرایند مقابله را آسان می‌کند و ابرازگری هیجانی، نوعی خانه‌تکانی شناختی ایجاد می‌کند. ابراز هیجان خود می‌تواند نقش مهمی در اعتماد زوجین و صمیمیت زناشویی داشته باشد و از این رو می‌توان گفت وجود طرحواره‌های هیجانی سازگارانه، ابراز هیجان مثبت را در پی خواهد داشت که همین امر موجب ایجاد اعتماد بیشتر بین زوجین شده و احتمال گرایش به خیانت زناشویی را کاهش دهد.

بعلاوه نتایج این مطالعه نشان داد طرحواره‌های هیجانی ناسازگارانه از طریق ابراز هیجان مثبت و ابراز صمیمیت اثر غیرمستقیم و معنی‌داری بر اعتماد زوجین داشتند، این در حالی بود که ابراز هیجان منفی نقش واسطه‌ای نداشت. پژوهشی که عیناً به بررسی این یافته بپردازد یافت نشد، اما می‌توان گفت با پژوهش‌های نزدیک به این یافته مانند عرب و همکاران (1396)، برومندراد (1399) و فاستینو و واسکو (2021) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که طرحواره‌هایشان در حوزه اعتماد، احترام متقابل و خویشتن‌داری محدودیت دارند، به اندازه کافی رشد نکرده‌اند. آنها ممکن است درباره اعتماد و احترام به حقوق دیگران، ابراز صمیمیت، همکاری کردن،

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

متعهد بودن، ابراز هیجان مثبت، یا دستیابی به اهداف بلندمدت مشکل داشته باشند؛ علاوه براین، چنین افرادی اغلب خودخواه، بی‌مسئولیت یا خودشیفته به نظر می‌رسند. این افراد در دوران کودکی، نیازی نداشته‌اند از قوانینی پیروی کنند که دیگران از آن تبعیت می‌کردند. آن‌ها در دوران کودکی ملاحظه دیگران را نمی‌کردند و خویشتن‌دار نبودند (فاستینو و واسکو، 2021). طرحواره‌های هیجانی ناسازگار در دوران کودکی یا نوجوانی پیشرفت کرده و به رفتارهای ناکارآمد تبدیل شدند و به عنوان نتیجه تجربیات مضر بین‌فردی تلقی می‌شوند. طرحواره‌های ناسازگار خاطرات، عواطف، شناخت‌ها و هیجانات را تشکیل می‌دهند که به فرد در پردازش اطلاعات دریافتی از جهان پیرامون و سازماندهی تجارب خود کمک می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که طرحواره‌های هیجانی ناسازگار موجب کاهش ابرازگری هیجان در افراد شده که همین امر می‌تواند عدم اعتماد را در زوجین نیز به وجود آورد.

به صورت کلی می‌توان گفت نتایج پژوهش نشان داد که طرحواره‌های هیجانی اثر مستقیم و معنی‌داری بر ابرازگری هیجان و اعتماد زوجین داشتند. همچنین طرحواره‌های هیجانی سازگارانه توانستند از طریق ابراز هیجان مثبت اثر غیرمستقیم و معناداری بر اعتماد زوجین داشته باشند و طرحواره‌های هیجانی ناسازگارانه با میانجیگری ابراز هیجان مثبت و ابراز صمیمیت اثر غیر مستقیم و معناداری بر اعتماد زوجین داشتند.

این پژوهش محدودیت‌هایی داشته است. استفاده از نمونه‌گیری دردسترس و محدوده جغرافیایی کوچک (استان مازندران)، استفاده از پرسشنامه خودگزارشی، عدم دسترسی کافی به افراد بیشتر، کلیشه‌ای بودن متغیر خیانت زناشویی و همراستایی با بیماری کرونا از جمله محدودیت‌های این مطالعه بود. در کنار این محدودیت‌ها پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره و خانواده‌درمانی، دوره‌هایی را برای افراد خیانت‌دیده برگزار کنند تا بتوان از مشکلات به وجود آمده ناشی از این حادثه بکاهند. همچنین پیشنهاد می‌شود در سطح جامعه شرایط به گونه‌ای پیش برود که احتمال خیانت کم و از آن کاسته شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی از روش نمونه‌گیری مطمئن‌تری استفاده شود تا با احتمال بیشتری قابل تعمیم باشد. پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی از روش‌های مطمئن‌تری مانند مصاحبه استفاده شود. پیشنهاد می‌گردد روابط این متغیرها با دیگر مفاهیم مرتبط با زندگی زوجین مانند رضایت زناشویی، سازگاری زوجین و ... در جامعه و فرهنگ ایران، بررسی و مورد پژوهش قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سخنرانی در زمینه روابط فرازناشویی توسط متولیان مربوطه میزان آگاهی زوجین در این زمینه ارتقای یابد.

در نهایت پژوهشگران از کلیه افراد شرکت‌کننده در پژوهش تقدیر و تشکر می‌نمایند.

منابع

اسفندیاری بیات، د؛ اسدپور، ا؛ محسن‌زاده، ف و کسایی، ع (1400). مقایسه اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد عقلانی - هیجانی – رفتاری (REBT) و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر میزان بخشودگی زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. مجله علوم روانشناختی، 20(97)، 139-148. http://psychologicalscience.ir/article-1-1020-fa.html

امیری‌نژاد، م؛ صادقی، م و پناغی، ل (1400) نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی در رابطه بین پیوند والدینی و صمیمیت زناشویی. *خانواده‌پژوهی*، 17(2)، 241-209. https://doi.org/10.52547/jfr.17.2.209

جاویدمهر، ف؛ هنرپروران، ن و قادری، ز (1394). اعتباریابی و سنجش پایایی نسخه فارسی مقیاس اعتماد در روابط میان‌فردی متأهلین فرهنگی شهر شیراز. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، 11(2)، 36-21. http://qjfr.ir/article-1-83-fa.html

سلطانی، س؛ خادمی، ع؛ بخشی‌پور، ع و علیوندی وفا، م (1400). مدل‌یابی علّی آسیب‌پذیری روابط فرازناشویی بر اساس طرحواره‌های هیجانی با میانجی‌گری عملکرد جنسی. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، 14(52)، 156-125. 10.30495/jwsf.2020.1912668.1510

سلیمانی، س، امیرفخرایی، آ، کرامتی، ک و سماوی، ع (1399). مقایسه اثربخشی درمان شناختی رفتاری و درمان فراتشخیصی یکپارچه بر ابرازگری هیجانی و ترس از صمیمیت در فرزندان طلاق. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، 9(6)، 95-83. http://jhpm.ir/article-1-1183-fa.html

شاهورانی، م و خرمایی، ف (1397). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس طرحواره‌های هیجانی. *مجله رویش روانشناسی*، 7(8)، 274-261. http://frooyesh.ir/article-1-254-fa.html

طباطبایی، م؛ معماریان، س؛ غیاثی، م و عطاری، ع (1392). سبک‌های ابراز هیجان و باورهای فراشناختی بیماران مبتلا به اختلال افسردگی اساسی. *تحقیقات علوم رفتاری*، 11(5)، 351-342. http://rbs.mui.ac.ir/article-1-328-fa.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

عباسی، م؛ سودانی، م؛ رجبی، غ و خجسته‌مهر، ر (1398). اثربخشی درمان بین سیستمی پیمان شکنی بر اعتماد زناشویی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر. *نشریه زن و جامعه*، 10(2)، 61-39. https://www.sid.ir/paper/169053/fa

عرب، ع؛ میرمرادزهی سیبی، م و نظری، ر (1396). *بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگاراولیه و نگرش به خیانت در بین کارکنان دانشگاه آزاد زاهدان*. دومین کنگره ملی روان شناسی و آسیب های روانی-اجتماعی. https://civilica.com/doc/745326/

فتاحی، ن؛ دهقانی، ف و زارعی محمودآبادی، ح (1400). رابطه بین طرحواره‌های هیجانی و رضایت زناشویی در دانشجویان دانشگاه یزد: نقش واسطه‌ای ذهن‌آگاهی. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، 10(1)، 55-45. http://socialworkmag.ir/article-1-652-fa.html

ناعمی، ا و محمدی‌آریا، ع (1399). رابطه ابرازگری هیجان با سازگاری و دلزدگی زناشویی و مقایسه آن میان زوج های نابینا و بینا. *مجله روانشناسی افراد استثنایی*، 10(38)، 116-97. https://doi.org/10.22054/jpe.2020.49358.2099

Baugh, L. M., Cox, D. W., Young, R. A., & Kealy, D. (2019). Partner trust and childhood emotional maltreatment: The mediating and moderating roles of maladaptive schemas and psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, *12*, 66-73. https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2019.02.001

Bi, S., Haak, E. A., Gilbert, L. R., El-Sheikh, M., & Keller, P. S. (2018). Father attachment, father emotion expression, and children's attachment to fathers: The role of marital conflict. *Journal of Family Psychology*, *32*(4), 456-465. https://doi.org/10.1037/fam0000395

Byrne, B. M. (2013). *Structural equation modeling with Mplus: Basic concepts, applications, and programming*. Routledge. https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=8vHqQH5VxBIC&oi

Clench-Aas, J., & Holte, A. (2021). Political trust influences the relationship between income and life satisfaction in Europe: differential associations with trust at national, community, and individual level. *Frontiers in Public Health*, *9*, 629118. https://doi.org/10.3389/fpubh.2021.629118

Edwards, E. R., & Wupperman, P. (2019). Research on emotional schemas: A review of findings and challenges. *Clinical Psychologist*, *23*(1), 3-14. https://doi.org/10.1111/cp.12171

Erfan, A., Noorbala, A. A., Amel, S. K., Mohammadi, A., & Adibi, P. (2018). The effectiveness of emotional schema therapy on the emotional schemas and emotional regulation in irritable bowel syndrome: single subject design. *Advanced biomedical research*, *7(3), 72-79.* doi: 10.4103/abr.abr_113_16

Faustino, B., & Vasco, A. B. (2021). Emotional schemas mediate the relationship between emotion regulation and symptomatology. *Current Psychology*, 42, 1-7. https://doi.org/10.1007/s12144-021-01560-7
https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2022.02.004

Isma, M. N. P., & Turnip, S. S. (2019). Personality traits and marital satisfaction in predicting couples' attitudes toward infidelity. *Journal of Relationships Research*, *10*, 13. https://doi.org/10.1017/jrr.2019.10

King, L. A., & Emmons, R. A. (1990). Conflict over emotional expression: psychological and physical correlates. *Journal of personality and social psychology*, *58*(5), 864-877. DOI:10.1037//0022-3514.58.5.864

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=t2CvEAAAQBAJ&oi

Leahy, R. L. (2002). A model of emotional schemas. *Cognitive and behavioral practice*, *9*(3), 177-190. https://doi.org/10.1016/S1077-7229(02)80048-7

Leahy, R. L. (2019). Introduction: Emotional schemas and emotional schema therapy. *International Journal of Cognitive Therapy*, *12*(1), 1-4. https://doi.org/10.1007/s41811-018-0038-5

Leahy, R. L. (2022). Emotional schemas. *Cognitive and Behavioral Practice*, *29*(3), 575-580.

McNeil, G. D., & Repetti, R. L. (2021). Everyday emotions: Naturalistic observation of specific positive emotions in daily family life. *Journal of Family Psychology*, *35*(2), 172-181. https://doi.org/10.1037/fam0000655

Rempel, J. K., Holmes, J. G., & Zanna, M. P. (1985). Trust in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, *49*(1), 95-112. DOI:10.1037/0022-3514.49.1.95

Riggio, H. R. (2020). Emotional expressiveness. *Encyclopedia of personality and individual differences*, 1296-1303. https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_508

Rosaline, S., & Kasaraneni, H. (2022). Surge in Extramarital Affairs During Work from Home: What We Know So far. *The Family Journal*, 10664807221123548. https://doi.org/10.1177/10664807221123548

Sawai, J. P., Masdin, M., Sawai, R. P., Rathakrishnan, B., & Zahrin, S. N. A. (2020). Trust and commitment in maintaining marriage among teachers in commuting marriage in Kota Kinabalu Sabah. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, *10*(12), 745-754. DOI:10.6007/IJARBSS/v10-i12/8162

Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, *26*, 355-369. https://doi.org/10.9788/TP2018.1-14Pt

Umberson, D., & Thomeer, M. B. (2020). Family matters: Research on family ties and health, 2010 to 2020. *Journal of Marriage and Family*, *82*(1), 404-419. https://doi.org/10.1111/jomf.12640

Warach, B., & Josephs, L. (2021). The aftershocks of infidelity: a review of infidelity-based attachment trauma. *Sexual and Relationship Therapy*, *36*(1), 68-90. https://doi.org/10.1080/14681994.2019.1577961

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1]